

## آینده پژوهی مهدوی



صرف توجه به «آینده»، نقطه پیوند و اشتراک مهدویت پژوهی و آینده پژوهی نیست؛ بلکه نوع نگاه به آینده و روش‌ها و دستاوردهای آن دو می‌تواند، نقطه ارتباط و تعامل آنها باشد.

صرف توجه به «آینده»، نقطه پیوند و اشتراک مهدویت پژوهی و آینده پژوهی نیست؛ بلکه نوع نگاه به آینده و روش‌ها و دستاوردهای آن دو می‌تواند، نقطه ارتباط و تعامل آنها باشد.

### بخش اول

#### چکیده

«آینده پژوهی» شناخت آینده در موضوعات و پدیده‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فن آوری است که امکان انتخاب، برنامه‌ریزی و مواجهه آگاهانه و مدبرانه با آنها را در حد مطلوب و مؤثر فراهم می‌سازد. در واقع آینده پژوهی در صدد ایجاد دوراندیشی و آینده‌شناسی در سطوح مختلف زندگی بشری است تا ضمن بیان اهمیت و ضرورت توجه به رویدادها و تحولات فراروی جهان، توانایی برخورد سنجیده و مناسب با آنها را فراهم سازد و یا الگوها و سناریوهای مطلوب و موجهی برای آن ارائه دهد.

از آنجایی که بخش مهمی از «آموزه مهدویت» توجه به آینده و بایستگی آمادگی، برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری «آینده مطلوب» است، می‌تواند در بعضی از روش‌ها و نگرش‌ها پیوندهایی با «آینده پژوهی» داشته باشد. در ضمن اینکه خود جامع مؤلفه‌های مطالعه و کاوش درباره آینده است و می‌تواند دانش جدیدی را تحت عنوان «آینده پژوهی مهدوی» شکل دهد. این پژوهش عهده‌دار تبیین این دو بخش است؛ یعنی بیان چیستی آینده پژوهی و شکل‌گیری آینده پژوهی مهدوی.

کلیدواژه‌ها: آینده پژوهی، مهدویت پژوهی، آینده پژوهی مفهومی، آینده پژوهی عرفی، علم الانتظار.

#### پیش درآمد

توجه و نگاه به آینده و کاوش و کنکاش درباره آن به هر شکل جزء آینده‌شناسی قرار می‌گیرد؛ چه این نگاه به نیت درک و فهم آینده باشد؛ چه جهت پیش‌بینی و تعمیم یافته‌ها؛ چه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان و جزئی و چه بررسی و شناخت اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها. اما لزوماً آینده پژوهی - به معنای مصطلح آن - محسوب نمی‌شود. مهم‌ترین رکن «آینده پژوهی» درک و شناخت سامان‌مند آینده و ترسیم و تصویر وضعیت‌های ممکن و محتمل از آن و حرکت به سمت وضعیت مطلوب و مرجح است. تصویر و ترسیم بشر از آینده، می‌تواند متکی بر مؤلفه‌ها و انگاره‌های مختلفی باشد؛ از جمله:

- حدس‌ها و گمانه‌زنی‌های شخصی - پیش‌بینی بر اساس قراین و شواهد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (برای زمان‌های کوتاه مدت و بلند مدت) - تجربیات تاریخی و الگوها، قوانین و سنت‌های مستخرج از تاریخ (عموماً مبتنی بر فلسفه نظری تاریخ) - رویکردهای تجربی مبتنی بر قوانین علمی (قوانین علی و شرط و مشروط) - گمانه زنی‌ها و خیال‌پردازی‌های ادبی، هنری، فلسفی و ... (نویسندگان رمان‌های آینده‌نگر و «یتوپیا» نویسان و...)

- آینده‌نگری براساس ستاره‌شناسی، اختربینی، طالع‌بینی و اوضاع کواکب و ... (عموماً بر پایه بعضی از الگوهای مکتوب و ثابت نشده) - آینده نگاری رمز گرایانه و رمالانه و شاعرانه (مبتنی بر بعضی از فنون و علوم ابجد گونه و اعداد و ... که به علت رمز آلودگی و دو پهلویی جاذبه خاصی دارد) - کشف مجهولات آینده براساس ریاضت‌های روحی و توجهات و نگرش‌های شهودی و ... - آینده‌نگری براساس علم غیبی اولیا و صالحان (مکاشفه و شهود و ...)

- آینده‌سازی براساس طراحی و برنامه‌ریزی نهادها، مؤسسات و گروه‌های ذی‌نفع (مبتنی بر تحلیل‌ها و برداشت‌های دانشمندان، نظریه‌سازان و تحلیل‌گران نظام بین‌الملل) - احتمالات و پیش‌بینی‌های مدیریتی، صنعتی، زیست محیطی و ... (مبتنی بر پیامدشناسی، پیشرفت‌شناسی، هشدارگری و...) - پیش‌گویی‌های وحیانی (مبتنی بر کتاب‌های آسمانی به خصوص قرآن و روایات معصومین).

اعتبار و صدق و کذب گزاره‌های یاد شده، محل بحث و بررسی است که از گستره این نوشتار خارج است؛ ولی به نظر ما تنها گزاره یقینی و قطعی، پیش‌گویی‌های وحیانی و غیبی است. این گزاره، براساس علوم غیبی است که خداوند در اختیار پیامبران و اولیا قرار داده و یا در کتاب‌های آسمانی ذکر کرده است.

در هر حال نگاه به آینده، پیشینه‌ای به فراخانی زندگی بشری دارد و «آینده‌نگری» مسیره‌ها، مراحل و گذرگاه‌های مختلفی را طی کرده و از گمانه‌زنی، اختر بینی، یتوپیا نویسی، فلسفه نظری تاریخ و ... به «آینده‌پژوهی» رسیده است. در واقع آینده‌پژوهی، شکل نظام‌مند و سازمان یافته نگاه به آینده است که می‌تواند در بسیاری از طیف‌های آینده‌نگری کارایی داشته و آنها را روش‌مندتر، کاربردی‌تر و عصری‌تر کند.

«آینده‌پژوهی»، توجه به آینده را جدی‌تر و عینی‌تر کرده و آن را وارد فضای حقیقی زیست انسانی نموده است؛ در حالی که بسیاری از شکل‌های آینده‌نگری، مجازی و غیر واقعی هستند. البته، فلسفه نظری تاریخ، عمدتاً شکل علمی و کلان آینده‌نگری است که بر امتداد روندهای تاریخی صخه می‌گذارد و توانایی «تفسیر بزرگ» از تغییرات و تحولات اجتماع بشری را بر عهده دارد.

اما امروزه نگاه به آینده و پیش‌بینی آن، تبدیل به ابهام‌زدایی از آن، فهم نسبتاً درست دگرگونی‌ها و تسلط بر آینده شده است. پس در این رویکرد، صرفاً تکیه بر یافته‌های تاریخی و فلسفی دانشمندان (نظم‌ها و قوانین تاریخی) نیست؛ بلکه هر دلیل و مستندی که بتواند در کشف رویدادها دخیل باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد (البته براساس شیوه و روش‌های خاص آن).

مهم‌تر از آن، آمادگی برای تحولات فرا رو و طراحی نظام‌مند آینده و کوشش برای تعیین آگاهانه و ارادی تاریخ، از مؤلفه‌هایی است که به طور جدی، در آینده‌پژوهی مورد توجه است. هر گونه آینده‌نگری، به شناخت آینده نیاز دارد و آینده‌شناسی نیز بر انگاره‌ها و پیش‌فرض‌هایی در خصوص وجود نوعی پیوند و توالی میان حوادث و رویدادهایی است که «آینده‌پژوهی» آنها را سامان می‌بخشد.

در ورای همه آینده‌نگری‌ها و آینده‌نگاری‌ها در طول تاریخ، همواره بشر شاهد آینده‌شناسی دینی بوده است. این آینده‌شناسی، نگاهی روشن و جامع به کلّ تاریخ و پیش‌گویی حتمی و فراگیر آینده است. «قرآن» و «روایات معصومین علیهم السلام» در شریعت اسلام، نمونه کامل این آینده‌شناسی وحیانی و غیبی هستند و موارد فراوانی از این پیش‌گویی‌ها، در طول تاریخ محقق شده است. البته علم به آینده فقط در دست خداوند است و او است که پیامبران و حجت‌های خود را از آن آگاه می‌سازد تا دلیلی بر حقانیت آنها و معجزه‌ای بر راستی آنها باشد.

مهم‌ترین بعد آینده‌شناسی اسلام و در واقع جلوه‌گری غایت‌مندی تاریخ و نظریه جامع و کامل «نجات گرایانه» دین، «آموزه مهدویت» است. این آموزه، آینه تمام‌نمای پیش‌گویی وحیانی دین اسلام و آینده‌ای حتمی، روشن، فراگیر، مطلوب و موعود امم است. «آموزه مهدویت»، پاسخ‌گویی به بسیاری از دغدغه‌ها و سؤال‌های انسان در طول تاریخ و چشم‌اندازی الهی و ایمانی به جامعه‌ای برتر و کارآتر است.

همه ابعاد و مؤلفه‌های یک «آینده‌پژوهی» در این آموزه وجود دارد: هم تفسیر کلان از حیات معقول بشری و فرجام شناسی تاریخ (فلسفه نظری تاریخ) است؛ هم تصویر و ترسیم روشنی از وضعیت‌های مختلف (و در نهایت وضعیت حتمی) و هم راه و نظام رسیدن به آن. بر این اساس پیوند وثیقی بین آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی وجود دارد. مهدویت‌پژوهی، کاوش نظام‌مند تاریخی، اجتماعی، سیاسی، کلامی و تفسیری «آموزه مهدویت» و شناخت و فهم آینده بر اساس آن است.

این نوشتار درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که: «آیا می‌توان طرحی درباره آینده‌پژوهی مهدوی داشت؟» به عبارت روشن‌تر «مسأله علمی» این تحقیق چیستی «آینده‌پژوهی» و شکل‌گیری دانش «آینده‌پژوهی مهدوی» است. به همین جهت ابتدا چیستی «آینده‌پژوهی» مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس درباره زمینه‌ها و ظرفیت‌های بهره‌گیری از آن در «مهدویت‌پژوهی» بحث می‌شود.

یک. آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی (Futures Studies)، آینده‌شناسی (Futurology)، آینده‌نگاری (Foresight)، پیش‌بینی (Forecast) و ... اصطلاحات و واژه‌هایی‌ها است که کم و بیش در نوشته‌ها و رویکردهای علمی و پژوهشی دیده می‌شود. در واقع امروزه رشته‌های علمی جدیدی که هدفش مطالعه منظم آینده است، معروف به آینده‌پژوهی، آینده‌نگری و یا پژوهش‌های معطوف به آینده نامیده می‌شود و کارشناسان و پژوهشگران آن، آینده‌پژوه (Futurist) نام دارند. آینده‌پژوهی: «به عنوان یک مقوله میان

رشته‌ای در پی کشف و شناسایی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب و کاربست آن در زمان حال است. هدف آینده‌پژوهی، تولید روش‌مند دانش راهنما و استفاده بیشتر از ملاحظات آینده محور در فرآیند تصمیم‌گیری است.[1]

آینده‌پژوهی شکل خاصی از پرداختن به آینده است و بر مؤلفه‌هایی چون تداوم روندهای تاریخی، امکان آمادگی برای رو به رو شدن با آینده، رصد کردن تغییرات و تحولات ممکن و ... دلالت دارد. اهمیت و ضرورت «آینده‌پژوهی» امروزه بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا برای رویارویی با تغییرات اقتصادی و اجتماعی، سیستم‌های علمی و تکنولوژی، بایستی یا از طریق سازگار کردن تکنولوژی‌های فعلی و یا ایجاد و به کارگیری تکنولوژی‌های جدید، قادر به پاسخ‌گویی و تغییر باشند.

ارزش آینده‌پژوهی در آن است که یک فرصت ساختار یافته را برای نگاه به آینده، و بررسی نقش علم و تکنولوژی در آینده فراهم می‌آورد و بدین ترتیب زمینه و بستری مناسب را جهت سیاست‌گذاری علم و تکنولوژی و... برای کشورها فراهم می‌کند.[2] امروزه آینده‌پژوهی وسیله و روش مناسب و مفیدی برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلف - به‌خصوص اقتصاد، فن‌آوری و سیاست - است و می‌تواند افق دید (چشم‌انداز) کشورها را نسبت به آینده، تغییر دهد و در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و حیاتی آنها را به فعالیت وادارد.

آینده‌پژوهی، جست‌وجو و کنکاش عالمانه درباره وضعیت زندگی بشری در آینده و دستیابی به نظم‌ها و الگوهای است که بتوان براساس آنها، آینده را پیش‌بینی نمود. آینده‌پژوهی تأمل و واکاوی منظم و منسجم درباره آینده جهت نیل به شناخت تغییرات و تحولات مستمّر و امکان تطابق و برنامه‌ریزی برای آنها است؛ یعنی نگاه موشکافانه و نظام‌مند به موقعیت‌های مختلفی که در آینده برای زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بشر احتمالاً به وجود می‌آید و ارائه راهکارهایی برای آمادگی و رسیدن به موقعیت‌های مطلوب و احتمالی است.

بر این اساس به نظر برخی: «آینده‌پژوهی، یکی از روش‌های مدرن مطالعه آینده است و از شاخه‌های فناوری‌های نرم محسوب می‌شود. البته هدف این علم نه تنها کشف آینده؛ بلکه اساساً مهندسی هوشمندانه آینده است. به همین دلیل است که آینده‌پژوهی جزو فناوری‌های نرم است و امنیتی جهت‌دار به شمار می‌آید».[3]

آینده‌اندیشی (آینده‌پژوهی) محصول نوعی رویکرد کم و بیش جدید، برای حل مسائل یا دستیابی به نوعی دانش و اطلاع در حوزه‌های مختلف است. دانش و اطلاعاتی که در مجموع تصویری از تحولات احتمالی در آینده را به شخص ارائه می‌دهد. دکارت زمانی در قرن هفدهم اعلام داشت: «هر آنچه قابل تصور است، امکان‌پذیر است».

آینده‌اندیشان در هر حوزه و قلمروی که به فعالیت و پژوهش سرگرم باشند، می‌کوشند با تصویرکردن شمار هر چه بیشتری از آینده‌های ممکن (در حد توانایی ذهنی خود)، زمینه را برای مشخص ساختن آینده‌های محتمل از درون این آینده‌های ممکن، آماده سازند. آن‌گاه از میان این آینده‌های محتمل، مطلوب‌ترین و نامطلوب‌ترین آینده‌ها، شناسایی می‌شود و کوشش می‌گردد، برای تحقق دسته نخست و جلوگیری از وقوع دسته دوم، برنامه‌ریزی‌های مناسبی صورت پذیرد.[4]

#### 1-1- آینده‌پژوهی در آینه تعاریف

تعاریف مختلفی از آینده‌پژوهی صورت گرفته که مشابهت‌های فراوانی با هم دارند: «پیش‌بینی آینده، می‌تواند محصول کاوش سازمان یافته‌ای باشد که آن را آینده‌پژوهی می‌نامیم». «آینده‌پژوهی عبارت است از تلاش برای یافتن تصویری از آینده و ارائه توجیهی برای آن تصویر».[5] گویکان آینده‌پژوهی را چنین تعریف می‌کند: فرآیندی سیستماتیک و مشارکتی و گردآورنده «ادراکات آینده» است که چشم‌انداز میان مدت تا بلند مدت را با هدف اتخاذ تصمیمات روزآمد و بسیج اقدامات مشترک بنا می‌سازد.[6]

در فرهنگ وبستر آمده است: آینده‌پژوهی، فرآیند سازماندهی شده و هدفمندی است که انتظارات بازیگران مختلف در مورد تکنولوژی را گردآوری و چشم‌اندازی‌های استراتژیکی در مورد آینده را تدوین می‌کند تا حامی توسعه اقتصادی و اجتماعی گسترده گردد. تعریف بن مارتین، مقبولیت بیشتری در ادبیات آینده‌پژوهی دارد. وی می‌گوید: آینده‌پژوهی، فرآیند «تلاش سیستماتیک» (نظام‌مند) برای نگاه به آینده بلند مدت علم، تکنولوژی، محیط زیست، اقتصاد و اجتماع می‌باشد که با هدف شناسایی تکنولوژی‌های عام نو ظهور و تقویت حوزه‌های تحقیقات استراتژیکی است که احتمالاً بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارند.[7]

با در نظر گرفتن تعاریف ارائه شده و سایر تعاریف، آینده‌پژوهی را چنین تعریف کرده‌اند: آینده‌پژوهی، می‌کوشد تا معرفت و اندیشه‌های آینده‌نگرانه را در میان بخش‌های تجارت، دولت و نهادهای دانش، برای درک فرصت‌ها و تهدیدهای محتمل طی 10

تا 20 سال آینده، در عرصه بازار و تکنولوژی‌ها، ایجاد کند و آن‌گاه با ایجاد و تقویت همکاری میان این سه بخش به جهت‌دهی فعالیت‌های آنان در راستای اهداف تعیین شده بپردازد.[8] تعریف مطلوب نگارنده در صفحات آتی ارائه خواهد شد.

## 1-2. پیشینه آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی، پیش‌بینی آینده و اساساً قدم نهادن در فراسوی زمان و موقعیت‌ها، همواره از امیال و آرزوهای دیرینه بشر بوده است. قدرت نامحدود ذهن و تخیل انسان‌ها، همیشه یگانه ابزار نیرومند برای قدم نهادن در آینده بوده و هست. این قوه تخیل و جریان پویای ذهن، موجب فرا روی از زمان حال و قدم گذاشتن در آینده‌ای است که گاهی شگفت‌انگیز و غیرقابل باور می‌نماید.

تفکر درباره آینده و حوادث آن، سابقه‌ای به دیرینگی تاریخ خود آگاهی بشر دارد؛ همان‌گونه که مردم همه دوران‌ها، همواره مشتاق کشف و علم به آینده خویش بوده‌اند؛ فعالیت معابد یونان باستان (مثل معبد مشهور دلفی) و رواج و رونق حرفه طالع‌بینی، ستاره‌شناسی، تعبیر خواب و ... میان همه ملل و اقوام شاهد این واقعیت است.

در سال 1519 توماس مور، کتابی با نام یتوپیا (آرمان‌شهر)، منتشر ساخت. این کتاب نخستین نوشتاری است که به شیوه موشکافانه، به آینده می‌پردازد. بعدها نوسترآداموس، با نگارش چندین کتاب - از جمله کتاب سده‌ها - در سال 1555 از سرشناس‌ترین پیش‌گویان شد. ادوارد بلامی در کتاب خود در سال 1888 چشم‌انداز جامع‌نگر از آینده بلند مدت را توصیف می‌کند ....

نخستین فعالیت آینده‌پژوهی در قالب یک تحلیل علمی، حدود سال‌های 1920-1933 توسط یک گروه تحقیقاتی به سرپرستی ویلیام اف آگرن و در زمینه جامعه‌شناسی انجام شد. در سال 1945 نیاز به پیش‌بینی تکنولوژی برجسته‌تر شد و به همین منظور، مؤسسه «رند» (Rand) گروهی را مأمور کرد تا تکنولوژی‌های نوظهور در یکصد سال آینده را پیش‌بینی کنند و زمینه برتری آمریکا در رقابت با شوروی را فراهم سازند.[9].

این علاقه ذاتی و میل طبیعی به شناخت آینده در دوران کهن، به تدریج جای خودش را به ضرورت شناخت آینده در دوران معاصر داد؛ زیرا لازمه زندگی در دنیای پر سر و صدا و سیار امروزی - که شامل پیدایش توانمندی‌های فنی و حاوی تغییراتی غافلگیرکننده و بی‌ارتباط با زمینه قبلی است - همان مطالعه آینده به مثابه یک علم مدرن و امکان شناخت فرصت‌ها و تهدیدات پیش روی است.

این زمان، دهه پیدایش سازمان‌های آینده‌پژوهی در گوشه و کنار جهان بود. در این سال‌ها هم‌زمان با پیدایش این سازمان‌ها، کتاب‌های مقدماتی خوبی در این موضوع پدید آمد؛ همچون کتاب مدخلی بر هنر و علم شناخت و شکل‌دهی به جهان فردا که کتابی کلاسیک و هنوز هم مورد توجه است.

سال 1967 شاهد اولین کنفرانس جهانی «آینده‌پژوهی» بود که در اسلو برگزار شد. این اجلاس و شرکت‌کنندگان آن، به عنوان منبعی برای تدوین کتاب بشریت در سال 2000 مورد استفاده قرار گرفت. این کتاب توسط دو تن از اعضای اصلی اجلاس، یعنی، روبرت یونگ (مؤسس آینده‌پژوهی وین) و جان گالتون (رئیس فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی) نوشته شد. پس از این سال‌ها، در دهه 90 افرادی همچون ریک اسلاتر (بنیان‌گذار مرکز آینده‌پژوهی استرالیا) و رولف کربیج (نویسنده کتاب آینده‌پژوهی و سیاست)، نقش عمده‌ای در مطالعات آینده‌پژوهی ایفا کردند.

در همین سال‌ها یکی از نویسندگان جهان سوّمی به نام ضیاءالدین سردار، نظرات و انتقادهای مبسوطی را نسبت به گسترش آینده‌پژوهی در مقاله‌ای به نام «استعمار آینده» ارائه کرد. در پایان این سال‌ها و آغاز قرن بیست و یکم، باید از نویسندگانی چون یونجی ماسورا (استاد ژاپنی علوم اطلاعات) و پاول کندی (استاد تاریخ و نویسنده کتاب آمادگی برای قرن 21) نام برد.[10]

آینده‌نگاری از اوایل دهه 1990 م. با استقبال بی‌نظیری از جانب برنامه‌ریزی علم و تکنولوژی کشورهای مختلف رو به رو شد، به گونه‌ای که در طی این دهه، تقریباً اکثر قریب به اتفاق کشورهای پیشرفته و یا در حال توسعه، برنامه‌هایی را در این خصوص تدوین و اجرا نمودند. حتی سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان توسعه صنعتی ملل متحد و اتحادیه اروپا نیز مراکز و مؤسساتی را جهت پرداختن به مقوله «آینده‌پژوهی» تأسیس کرده‌اند.[11]

در دهه 60 آینده‌پژوهی به عنوان یکی از رشته‌های جدید علوم، پایه‌ریزی گردید و نخستین دوره آموزش «آینده‌پژوهی» در

سال 1963 توسط جیم دی تور در ویرجینیا برگزار شد و ... به این ترتیب «آینده‌پژوهی» جزء فعالیت‌های رسمی آموزشی - پژوهشی قرار گرفت. به نظر نگارنده این سطح از آینده‌پژوهی، بیشتر از آنکه جنبه نظری و تئوریک داشته باشد، پرداختن به امور جزئی آینده (اقتصاد، سیاست، صنعت...) است؛ در حالی که آینده‌پژوهی علمی، زیربنای تفکرات و اندیشه‌های انسان درباره آینده است. به همین جهت بایسته است که آن را در سطوح مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم.

### 3-1. سطوح آینده‌پژوهی

با توجه به تعاریف و رویکردهای مختلف درباره «آینده‌پژوهی»، می‌توان آن را در دو سطح و پارادایم، دسته‌بندی و تعریف کرد:

#### 3-1-1. آینده‌پژوهی به معنای اعم (آینده‌پژوهی مفهومی)

این نوع آینده‌اندیشی، بیشتر جنبه معرفتی و فکری دارد و نگرش‌های کلان به تاریخ بشری - به خصوص آینده جهان - را شامل می‌شود. در این مفهوم از آینده‌پژوهی ما با رویکردهایی گاهی همسان رو به رو هستیم که از جمله آنها می‌توان به فلسفه نظری تاریخ اشاره کرد. فلسفه تاریخ، کشف الگو و قوانین حاکم بر تاریخ و شناسایی هدف، مسیرها و عوامل حرکت آفرین آن، جهت پیش‌بینی آینده و معنابخشی به حرکت تاریخ است. [12]

همچنین می‌توان از نوعی آینده‌پژوهی مفهومی نام برد که هم‌پوشانی فراوانی با «فلسفه نظری تاریخ» دارد. این نوع آینده‌پژوهی کاوش سازمان یافته جهت پیش‌بینی آینده است و برای این کار به کمک یک محمل مفهومی و تطورات آن مفهوم در حال و آینده، به آینده‌پژوهی می‌پردازیم. در این رابطه می‌توان از محمل‌های مفهومی‌ای چون تمدن، ارتباطات، فرهنگ، حکومت و ... بهره گرفت و نگاهی کلان به آینده داشت. [13] بر این اساس می‌توانیم دوگونه «آینده‌پژوهی» همسان در اینجا شناسایی کنیم: 1. فلسفه نظری تاریخ (فرجام‌شناسی فلسفی - تاریخی). 2. آینده‌پژوهی مفهومی (نظریه پردازی معطوف به آینده)

#### 3-1-2. آینده‌پژوهی به معنای اخص (آینده‌پژوهی جزئی یا عرفی)

این نوع آینده‌پژوهی در چند دهه اخیر رایج شده و در این نوشتار نیز همین نوع مورد نظر بوده است. این آینده‌پژوهی، حاصل تلاقی سه دسته از مفاهیم در حوزه‌های مختلف است؛ یعنی: 1. برنامه‌ریزی یا برنامه‌ریزی استراتژیک؛ 2. آینده‌اندیشی؛ 3. شبکه‌سازی یا توسعه سیاست. بر این اساس آینده‌پژوهی به معنای مهیا بودن برای آینده و استخدام منابع موجود به بهترین وجه ممکن و در راستای ارزش‌ها و اهداف است. این همان تلاش سیستماتیک، برای نگاه به آینده بلند مدت در حوزه‌های دانش، سیاست، فن‌آوری، اقتصاد، محیط زیست، جامعه و ... است که هدف اصلی آن، شناخت فرصت‌ها و فن‌آوری‌های جدید و تعیین بخش‌هایی است که سرمایه‌گذاری در آنها، احتمال بازدهی بیشتری دارد.

آینده‌پژوهی، به عنوان یک ابزار بسیار مؤثر جهت سیاست‌گذاری (به خصوص سیاست‌گذاری علم و تکنولوژی) به دولت‌ها کمک می‌کند تا در شرایط دنیای امروز، به چالش‌هایی همچون جهانی شدن و رقابت فزاینده، پاسخی مناسب، ارایه و اقداماتی مؤثر انجام دهند. رویدادها، روندها، تصویرها و اقدام‌ها، چهار مؤلفه‌ای است که از درهم کنش آنها، آینده پدید می‌آید. یکی از کارکردهای مهم آینده‌پژوهی این است که به مردم کمک کند تصویرهای خویش را از آینده (آینده‌ها، دغدغه‌ها، امیدها، باورها و علایقشان را نسبت به آینده) محک زده و شفاف نمایند تا کیفیت تصمیم‌هایی که برای آینده می‌گیرند، بهبود یابد.

دیگر آنکه آینده‌پژوهی درصدد کمک به مردم است تا تصویرها و اقدام‌های (کنونی) خود را از حد کوشش‌های فقط منفعلانه، فراتر برده، بکوشند تا آینده را پیش‌بینی کرده و سپس بر پایه پیش‌بینی‌های (درست‌تر)، طرح‌های عملی خود را اجرا کنند و به پیش ببرند. این فقط گام اول آینده‌نگری است. گام بعدی ایجاد تصویرهای مثبت از آینده (آینده‌های مطلوب و مرجح) و اقدام به طرح‌ریزی و تصمیم‌گیری براساس آن تصویرهای مثبت است.

یادگیری برای بینش‌مندی و بازنگری بینش‌های مرتبط با آینده و آن‌گاه اقدام به طرح‌ریزی و عمل بر پایه این بینش‌ها، به گونه‌ای که در عرصه طرح‌ریزی و تصمیم‌گیری رایج است، قلب آینده‌پژوهی و آینده‌کاوی را تشکیل می‌دهد. [14]

در جمع‌بندی این بحث می‌توانیم آینده‌پژوهی را چنین تعریف کنیم: دانش شناخت نظام‌مند آینده در موضوعات و پدیدارهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فن‌آوری که امکان انتخاب، برنامه‌ریزی و مواجهه آگاهانه و مدبرانه با آنها را در حد مطلوب و مؤثر فراهم می‌سازد.

آینده‌اندیشان، برای شناسایی امکانات آینده و غربال کردن آنها و تهیه فهرستی از آینده‌های محتمل و سپس جدا ساختن سناریوهای مطلوب از نامطلوب، از شیوه‌ها، شگردها و روش‌های متعددی استفاده می‌کنند. اما آنچه که در همه این روش‌ها، کم و بیش مشترک است، تکیه بر معرفت ضمنی دانشوران در قلمرو مورد نظر است که در آن آینده‌اندیشی صورت می‌گیرد. در دو دهه اخیر آینده‌اندیشان در کنار توصیف آینده‌های ممکن و محتمل، به کار تجویز برخی از سناریوها نیز روی آورده‌اند. در رویکرد اخیر، فرض و مدعای اصلی آن است که آینده در زمره امور ساختنی است و بنابراین می‌باید با تهیه نقشه‌های مطلوب، شالوده شکل‌گیری آینده‌های مطلوب را از هم اکنون پی ریخت. [15]

آینده‌پژوهان اندیشگاه رند، نخستین کسانی بودند که به طور جدی به مطالعه فن‌آوری‌های نوظهور و پیامدهای آنها بر امنیت ملی و توان نظامی یک کشور خاص پرداختند. آنان فنون و روش‌های جدیدی را برای تفکر درباره آینده ابداع کردند. آینده‌پژوهان دریافته‌اند که جهان کنونی، با جهان کنونی، پیوسته است و بنابراین از طریق مطالعه نظام‌مند رویدادهای کنونی، می‌توان درباره رخداد‌های آینده، مطالب فراوانی آموخت. نکته کلیدی این است که به جای مطالعه و تمرکز بر رویدادها؛ یعنی، رخداد‌های ناگهانی و روزمره، باید بر روندها؛ یعنی، تغییرهای دراز مدت و پیوسته در حوزه‌هایی همچون جمعیت، جامعه، اقتصاد، دفاع، محیط‌زیست و فن‌آوری تمرکز کرد.

آینده‌پژوهان روش بسیار مفیدی با عنوان «سناریوسازی» را گسترش دادند. سناریو متضمن پیش‌بینی قطعی و دقیق جهان آینده نیست؛ (بلکه) توصیفی از رویدادهای ممکن و جداگانه‌ای است که امکان وقوع آنها در آینده، وجود دارد. به بیان دیگر، سناریوها، آمیزه‌ای از پیش‌بینی‌های تخیلی و در عین حال واقع‌گرایانه از رخداد‌های احتمالی آینده هستند. [16]

روش‌های «داستان‌پردازی» نیز در کمک به مخاطبان برای تخیل شرایط زندگی در آینده بسیار مفیدند. روش‌های «دلفی و آینده‌نگاری» از این واقعیت بهره می‌جویند که بهترین راه جمع‌آوری اطلاعاتی ارزشمند درباره آینده، مراجعه به خبرگان آگاه و تشویق آنها به گفتمان است.

مدل‌های شبیه‌سازی نیز ساختاری کمی برای بررسی و مطالعه گزینه‌ها را فراهم می‌آورند. به کمک روش‌های «تحلیل تصمیم»، می‌توان خطاها و اشتباهات موجود در استدلال انسان‌ها را تصحیح کرد و ... البته هر یک از تکنیک‌ها و روش‌های فوق به تنهایی برای پشتیبانی از تصمیم‌گیری‌های بسیار پیچیده همراه با عدم قطعیت عمیق، ناکافی هستند. [17]

با توجه به این توضیح مختصر، می‌توان روش‌های پیش‌بینی آینده را چنین شمارش کرد: 1. سناریوسازی (دیدگاه‌های چند گانه درباره آینده)؛ 2. روش دلفی (داستان‌پردازی گروهی و جمع‌آوری دیدگاه‌ها در مراحل زمانی خاص و مکرر آنان)؛ 3. آینده‌نگاری (داستان‌پردازی گروهی و جمع‌آوری کارشناسان در یک جا و اخذ نظرات آنان)؛ 4. مدل‌های شبیه‌سازی (مثل مدل شبیه‌سازی World3)؛ 5. روش دیدبانی (پایش مستمر تغییرات جهانی و رصد کردن هر نوپدیدار جدید)؛

6. تحلیل روند (مطالعه یک روند مشخص برای کشف ماهیت و علت آن)؛ 7. پایش الگوهای نوظهور (شامل روش‌های ردگیری، شبیه‌سازی و ...). 8. برون‌یابی روندها (ترسیم نموداری تغییرات روندها)؛ 9. روش پانل (تأمّل متخصصان در موضوعات برجسته)؛ 10. روش پیمایش محیطی (پیمایش تغییرات محیطی و درک نیروهای خارجی)؛ 11. روش ذهن‌انگیزی (توفان فکری برای تولید ایده‌های جدید)؛ 12. نظرخواهی و مشاوره و ... [18] این روش‌ها ذیل سه روش کلی آینده پژوهی قابل جمع است: الف. روش‌های هنجاری و روش‌های اکتشافی؛ ب. روش‌های کمی و روش‌های کیفی؛ ج. روش‌های مبتنی بر فرض و روش‌های مبتنی بر نظر. نقد و بررسی این روش‌ها مجال فراخ‌تری می‌طلبد که از گستره این مقاله خارج است.

#### منابع

[1]. پرومیچیچ، آینده پژوهی و مدیریت آینده، تهران، مرکز آینده پژوهی و اطلاع رسانی، 1387، ترجمه عبدالله حیدری، ص 11.

[2]. نک: گروه مدیریت تکنولوژی مرکز صنایع نوین، گزارش اول، وزارت صنایع و معادن، خرداد 1381.

[3]. نک: موسی اکرمی، «روش‌های آینده‌نگاری تکنولوژی توسعه فردا»، آینده‌اندیشی و آینده‌نگری گروه آینده‌اندیشی، بنیاد.

[4]. نک: علی پایا، آینده علوم انسانی، فصل‌نامه حوزه و دانشگاه، ش 49 (سال 12، زمستان 1385)، ص 12.

[5]. نگارنده، آینده جهان، (چاپ اول، قم، مرکز تخصصی مهدویت، 1383)، ص 23؛ به نقل از: محمد جواد لاریجانی، درس‌های سیاست خارجی، (چاپ اول، تهران: مشکوة: 1377) ص 268.

[6]. همان.

[7]. Keenan, Michael, "Technology Foreight: An introduction", Technology Foresight for Orgonizers, 8-12, Ahklara, Turkey, December 2003.

[8]. همان.

[9]. پرومیچیچ، پیشین، ص 10.

[10]. نک: الفبای آینده پژوهی، ص 21 و 22؛ جان دال، راهنمایی برای آشنایی با ادبیات آینده پژوهی، تهران، (مؤسسه آموزش و تحقیقاتی صنایع دفاعی، 1385)، صص 15 - 25.

[11]. روح‌الله قدیری، «بررسی چند تجربه ملی آینده‌نگاری»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس مدیریت تکنولوژی، تهران، اردیبهشت 1386.

[12]. نگارنده، جستارهایی در مهدویت، قم، مرکز تخصصی مهدویت، 1386، ص 30.

[13]. نک: نگارنده، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص 23 و 24.

[14]. جیمز، دی‌تور، آینده پژوهی به عنوان دانش کاربردی، رهیافت، ش 20، ص 105.

[15]. علی پایا، آینده علوم انسانی، فصل‌نامه دفتر حوزه و دانشگاه، ش 49، ص 13.

[16]. عقیل ملکی‌فر و دیگران، الفبای آینده پژوهی، ص 70 و 71.

[17]. رابرت جی، لمپرت و دیگران، برنامه‌ریزی پا برجا برای یک قرن، ترجمه وحید وحیدی مطلق، (چاپ اور، تهران: اندیشکده صنعت و فن‌آوری، 1385) صص 24 - 27.

[18]. برای مطالعه بیشتر، ر.ک، همان، ص 24 - 30؛ سعید خزائی، عبدالرحیم پدram؛ راهنمای گام به گام آینده پژوهی راهبردی، تهران، دانشگاه مالک اشتر، 1387، ص 44 - 88.

حجت الاسلام و المسلمین رحیم کارگر

منبع: ماهنامه انتظار موعود - شماره